

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۰

چیستی حقوق شهروندی و راهکارهای فراگیرسازی آن در جامعه

مهدی رجائی^۱ / ابراهیم حیدری^۲ / جعفر حیدرپور^۳

چکیده

یکی از شاخصه‌های مهم ارزیابی رضایت مردم از کارگزاران حکومتی عملکرد آنان در تحقق حقوق شهروندی آحاد جامعه است. به گونه‌ای که می‌توان تناسب محسوسی میان رضایتمندی مردم از دولت و عملکرد دولت در التزام به رعایت حقوق شهروندی را مشاهده کرد. در همین راستا یکی شاخصه‌هایی که می‌تواند منجر به رضایتمندی مردم از حکومت شود، تقید و تلاش حکومت در تحقق حقوق شهروندی است. اما دولت‌ها در تحقق این مهم با چالش‌هایی مواجه هستند که عدم توجه به آنها می‌تواند صدمات جدی در احقاق حقوق شهروندی ایجاد کند و همین امر منجر به نارضایتی مردم از حکومت شود. در همین جهت یکی از الزامات دولت در تحقق هرچه بیشتر حقوق شهروندی، شناسایی این چالش‌ها و رفع آنها است. در همین راستا این سؤال مطرح می‌شود که مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت در تحقق حقوق شهروندی چیست و دولت چه راهکارهایی را می‌تواند برای مقابله با آنها پیش‌بینی کند؟ این پژوهش با بهره‌مندی از روشی تحلیلی - توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه، آسیب‌هایی چون عدم آشنایی دولتمردان و شهروندان با مفاهیم و اصول حقوق شهروندی، نبود چارچوب و ساختار مناسب برای اعتراض مردم به تصمیمات حکومتی را چالش‌های پیش‌روی تحقق حداکثری حقوق شهروندی برشمرده است. در همین راستا برای رفع این چالش‌ها راهکارهایی چون استفاده از ظرفیت‌های رسانه، آموزش و پرورش و تعهد عملی به الزامات اسلامی را پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، دولت، شهروند، راهکارها، جامعه

mahdi.rajaei@yahoo.com

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

heydari.ebrahim124@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دروس عالی حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قم، قم، ایران.

jafarheydarpour@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دروس عالی حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم، قم، ایران.

در جهان بینی اسلامی انسان دارای کرامت نفس بوده و کل عالم و افلاک در تسخیر او قرار داده شده است. در این راستا هر حکومتی موظف است کرامت نفس انسان‌های جامعه را در نظر بگیرد. کرامت نفس افراد جامعه، حقوقی را شامل حال آنها می‌کند؛ هرچند انسان‌ها فی نفسه بسیاری از این حقوق را دارا هستند و چنین نیست که بگوییم طبقه حاکم، این حقوق را به انسان‌ها بخشیده‌اند؛ اما حکومت‌ها زمینه دستیابی به آنها را فراهم کرده و با هر عاملی که مانع دستیابی انسان‌ها به حقوق خود شود، مقابله می‌کنند.

این تلاش در بسیاری از حکومت‌ها وجود داشته و هر حکومتی سعی می‌کند شرایط بهره‌مندی حداکثری مردم از حقوق خود را فراهم کند.

یکی از این حقوق که دولت‌ها تلاش می‌کنند رواج حداکثری در جامعه داشته باشد، تحقق حقوق شهروند است. حقوق شهروندی یکی از مسائل مهم در مقبولیت اجتماعی دولت‌ها و همچنین معیاری برای سنجش عملکرد آنها در زمینه دستیابی به اهداف هر حکومت می‌باشد. اما با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسلام شکل گرفته و آرمان آن دستیابی حداکثری جامعه قرب الهی و رسیدن به توحید است، لذا این امر مستلزم آن است که سیاست‌گذاری‌های کلان و عملکردها بر اساس همین الگو تبیین گردد و حقوق شهروندی بر اساس معیارها و تعالیم اسلامی شناخته و اجرا شوند.

در همین راستا دولت‌ها می‌توانند با پیگیری تکالیفی که ملازم با تحقق حقوق شهروندی است، کارآمدی بیشتری در تحقق حقوق شهروندی کسب کنند و با توجه به اینکه تحقق این حقوق مستلزم رابطه‌ای دوطرفه میان دولت و شهروندان است، این پیگیری باید از هر دو طرف انجام شود. مولای متقیان علی (ع) در تبیین رابطه متقابل دولت و شهروندان در تحقق حقوق شهروندی چنین بیان می‌کنند: «فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

عدم توجه دولتمردان به حقوق شهروندی می‌تواند عامل ایجاد بسیاری از معضلات و خشونت‌های اجتماعی شده و متعاقب آن آسایش و آرامش مردم سلب شود و فضایی ملتهب و ناامن در جامعه حاکم شود.

برای مقابله با این آفت‌ها باید ابتدا به این سؤال پاسخ داد که چه آفت‌ها و چالش‌هایی در فراگیری و جریان حداکثری حقوق شهروندی در جامعه وجود دارد و متعاقباً چه اقداماتی برای رفع آنها باید انجام داد؟ نقش متفاوتی که حکومت اسلامی در خصوص این حقوق نسبت به حکومت‌های معاصر دارد، چیست؟

پژوهش پیش‌رو علاوه بر نگاه حقوقی به مسئله حقوق شهروندی، این حقوق را با نگاهی سیاسی نیز

مورد مذاقه قرار می‌دهد و تلاش می‌کند این حقوق را با نگاه کلان‌تری که مشتمل بر مباحث حقوقی و سیاسی است بررسی کند. البته در نتیجه راهکارهایی نیز که پیشنهاد می‌دهد تنها راهکارهای حقوقی نخواهد بود.

برای پاسخ به این سؤالات از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده شده است و تلاش شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر در خصوص موضوعات حقوق شهروندی به این سؤالات پاسخ داده شود.

این پژوهش ابتدا به چیستی حقوق شهروندی اسلامی و ابعاد مختلف آن از منظر آیات و روایات و با رویکردی فقهی پرداخته و سپس با بررسی وضع موجود و مقایسه آن با آرمانی که اسلام برای آن ترسیم کرده، میزان تحقق‌پذیری آن توسط جمهوری اسلامی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در ضمن آن، چالش‌هایی که مانع دستیابی به این اهداف شده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت نیز راهکارهای متناسب جهت فراگیرسازی حقوق شهروندی در جامعه ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری تحقیق

چارچوب نظری این مطالعه در حوزه فقهی و علوم انسانی اسلامی است.

۲. بحث و استدلال

۲-۱. مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی اسلامی

نگاه به شهروندی به عنوان یک مفهوم مدرن موجب خطای در شناخت مفهوم آن از نگاه فقهی و اسلامی خواهد شد؛ لذا باید ابتدا مؤلفه‌های شهروندی را استخراج کرده و سپس دنبال کشف معنای حقیقی آنها در ادبیات اسلامی بود. دقت در کشف معنای حقیقی حقوق شهروندی از نگاه اسلامی، برخی از چالش‌ها و معضلات برآمده از آن را حل خواهد کرد.

۲،۱،۱. مفهوم حقوق

لفظ حقوق در معانی مختلف بکار می‌رود از جمله:

۱. حقوق جمع حق و حق در اصطلاح عبارتست از «امتیازی که شخص در جامعه معین دارد».

حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر می‌شود.

۲. حقوق اصطلاحاً عبارت است از مجموعه قواعدی که تنظیم‌کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین می‌باشد. حقوق در این مفهوم به حقوق ذاتی به لحاظ آنکه قطع نظر از افراد جامعه مطرح می‌گردد، تعبیر می‌شود. حقوق فردی ملازم با حقوق ذاتی می‌باشد. در نتیجه قواعد تنظیم‌کننده روابط

افراد در جامعه که اختصاراً قواعد حقوقی یا قانون نامیده می‌شود برای افراد اختیار و توانایی تحصیل اراده خود به دیگران و الزام دیگران به رعایت آثار این اراده (اعمال حق) ایجاد می‌گردد.

در فقه اصطلاح خاص و عام در مورد حق به کار گرفته می‌شود؛ در مفهوم خاص «حق، قدرت هر انسان برابر قانون برانسان دیگر یا بر مال (مادی یا معنوی) و یا بر هر دو می‌باشد» و در مفهوم عام «حق، چیزی است که شارع وضع کرده است». به عبارت دیگر حقوق در معنی اخیر وجدان و اراده عالیه جامعه (در مفهوم مورد نظر مکاتب مختلف) است که در عمل جانشین وجدان و اراده افراد همان جامعه می‌گردد. یا به بیانی ساده حقوق قاعده الزامی یا مجموعه چنین قواعد می‌باشد. حقوق در این معنی را حقوق عینی یا حقوق خارجی (نسبت به شخص) نیز نامیده‌اند.

۲.۱.۲. مفهوم شهروند

۲.۱.۲.۱. شهروند در لغت

این کلمه مرکب از دو کلمه شهر به معنای جامعه انسانی و وند به معنای عضو وابسته به آن است که بیانگر نوعی مالکیت نسبت به آن جامعه و اهالی و ساکنان آن می‌باشد. معادل آن در زبان انگلیسی «سیتیزن» و «پولیتیس» در زبان یونانی است. در فرهنگ لغت دهخدا شهروند را اهل یک شهر یا کشور دانسته و در ادامه آورده است که «وند» موجود در این واژه در اصل به معنای «بند» بوده و عبارت کامل به صورت شهر بند بوده یعنی کسی که به شهری بند است. این واژه بر اثر گذشت زمان به صورت عبارت شهروند درآمده است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه شهروند).

یکی از اساسی‌ترین مسائل در رجوع به منابع اصیل اسلامی و غنی‌تر کردن مسائل مربوط به شهروندی، توجه به مفاهیم و الفاظ مترادف شهروندی است که در منابع مختلف اسلامی با وجود اینکه مفهوم شهروندی به صورت صریح به کار نرفته ولی به عنوان مثال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واژه‌هایی با عنوان امت، ملت، رعیت، ناس و... به کار رفته که نشان از ترادف معنایی این واژگان با مفهوم شهروندی است. همچنین در نامه ۵۳ امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر نیز ترادفات واژگانی زیادی با مفهوم شهروندی به چشم می‌خورد. در رجوع به منابع مختلف به این نکته باید توجه کرد که بعد از مشروطیت، واژه رعیت دارای بار معنایی منفی و چه بسا منفوری در بین آحاد مردم و حتی سیاستمداران شد لکن در منابع اسلامی نه تنها واژه‌ای منفی به شمار نمی‌رود چه بسا استفاده از آن به کرات مشاهده می‌شود.

۲.۱.۲.۲. شهروند در اصطلاح

اصطلاحاً شهروند کسی است که به عنوان عضو جامعه و برخوردار از حقوق اجتماعی و سیاسی پذیرفته شده و میتواند از مزایای آن بهره مند شود. بر این اساس، شهروندی ایده‌ای است که هم حق

افراد را برای برخورداری از حقوق و هم مسئولیت جمعیشان را که اداره با ثبات امور مبتنی بر آنهاست به رسمیت می‌شناسد (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۸۰).

۲.۱.۳. ماهیت شهروندی

در مورد ماهیت شهروندی، ذکر این نکته ضروری است که شهروندی منحصر در عنصر فردگرایانه یا جمع‌گرایانه نیست؛ بلکه هر دو عنصر را به همراه دارد. به عبارت دیگر هم بحث حق و مسئولیت فردی را شامل می‌شود و هم بحث حق و مسئولیت جمعی را؛ بنابراین می‌توان گفت که در نگاه به مسئله حقوق شهروندی، نه دیدگاه لیبرالیستی مدنظر است که فقط عنصر فرد را مورد نظر قرار می‌دهد و نه فقط عنصر جمع‌گرایانه سوسیالیستی؛ با تتبع در منابع اسلامی می‌توان دریافت کرد که در رویکرد اسلامی، هر دو نگاه فردگرایانه و جمع‌گرایانه، به همراه هم مدنظر قرار گرفته است.

شهروندی با توجه به مفهوم و حیطه دربرگیری مسائل آن، جزو مواردی است که همه احزاب و گروه‌های سیاسی، به آن قائل بوده و آن را در مانیفست خود مدنظر قرار می‌دهند و این چنین نیست که یک مسئله اختلافی در میان آن‌ها باشد.

۲.۱.۴. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به آن دسته از حقوق اطلاق می‌شود که عموم مردم، در برابر دولت، از آن برخوردارند و متقابلاً دولت با وضع قانون و استفاده از ابزار و امکانات و اهرم قدرتی که در اختیار دارد، وظیفه تضمین آن‌ها را بر عهده دارد (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۷۳۰).

در واقع حقوق شهروندی، مجموعه امتیازاتی است که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض برای فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد. به بیان دیگر حقوق شهروندی، آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری) دولت یا به طور کلی قوای حاکم است (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۸۵).

حقوق شهروندی در یک تقسیم‌بندی به حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حق بهره‌وری تقسیم می‌شود.

این حقوق مطابق یک تقسیم‌بندی دیگر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. حقوق مادی همچون حق زندگی، حق امنیت، حق رفت و آمد، حق مصونیت، حق تابعیت و...
۲. حقوق معنوی همچون حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق آزادی آموزش و پرورش، حق برابری و عدم تبعیض، و.....

۲-۲. مبانی حقوق شهروندی

پس از ارائه تعریفی از شهروندی، برای شناخت بیشتر باید مبانی آن را هم مورد بررسی قرار داد چرا که شناخت کافی بر نحوه تحقق، تضمین و تأمین آن از طریق آشنایی با مبانی امکان پذیر خواهد بود. بر این اساس، مبانی حقوق شهروندی اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲،۲،۱. حقوق طبیعی

حقوق طبیعی و فطری به این معناست که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعدادش را در وجود آن‌ها نهفته است، سوق می‌دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است و یک سند طبیعی برای آن به شمار می‌آید. مثلاً فرزند انسان حق درس خواندن دارد، اما بچه گوسفند چنین حقی ندارد؛ چون استعداد درس خواندن و دانا شدن در انسان هست و در گوسفند نیست. همچنین حق فکر کردن و رای دادن و اراده آزاد داشتن نیز در این راستا است (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۴۶).

تأمل در اصل غایت نشان می‌دهد علاوه بر «استعداد»، عامل «نیاز» نیز با حقوق طبیعی پیوند دارد. همانگونه که استعدادهای هر موجود او را ذی حق می‌کند، نیازهای طبیعی وی نیز دلیلی بر ذی حق بودن وی است. اگر کودک نیازمند شیر نباشد، شیر مادری هم نخواهد بود. همین که در آستانه تولد نوزاد، سینه مادر انباشته از شیر می‌شود دلیل روشنی است که شیر از آن کودک است و بنابراین کودک نسبت به آن ذی حق خواهد بود. بدین ترتیب میتوان گفت هر موجودی یا به سبب استعداد یا به دلیل نیازحقوقی دارد که ناموس طبیعت برایش در نظر گرفته است (جوان آراسته و ملک افصلی، ۱۴۰۱: ۷۶).

۲،۲،۲. کرامت

کرامت در لغت به معنای بزرگواری، جوانمردی و بخشنده‌گی است (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه کرامت). از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، کرامت به معنی «کمال، شرافت و پاک بودن از هر نوع آلودگی و منزه بودن از پستی و فرومایگی» است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۸). در قرآن کریم از کرامت به عنوان یکی از امتیازات انسان در برابر دیگر موجودات یاد می‌شود؛ امتیازی که موجب شرافت و برتری انسان است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره اِسرائ، آیه ۷۰).

۲،۲،۳. حاکمیت الهی

بر اساس جهان بینی توحیدی اولاً جهان آفرینش با وجود خداوند متعال، حقیقتی از سوی او و به

سوی او دارد (مبدأ و معاد)؛ ثانیاً جهان عادلانه برپا شده است (عدالت تکوینی)؛ ثالثاً هستی هدفمند است (نبوت و امامت). از آنجا که در وضع قوانین الهی، به هماهنگی تشریع با تکوین همواره توجه شده است، این قوانین عادلانه وضع شده‌اند (عدالت تشریعی). این مبانی در اصل دوم قانون اساسی بازتاب یافته است (جوان آراسته و ملک افضل، ۱۴۰۱: ۷۸).

۲,۲,۴. عدالت

یکی از مبانی مهم حقوق شهروندی که بدون آن، تحصیل حقوق شهروندی غیرممکن به نظر می‌رسد، عدالت و برابری عادلانه است. بدون عدالت نمی‌توان جامعه‌ای را به حقوق خود رسانید و شرایط را برای دستیابی به حقوق افراد متناسب با استعدادهای خود فراهم کرد. چنانکه رهبر کبیرانقلاب امام خمینی (ره) درباره این اصل مهم می‌فرماید: «اسلام تعدیل می‌خواهد؛ نه جلو سرمایه را می‌گیرد، و نه می‌گذارد سرمایه آن طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد و برای سگش هم اتومبیل داشته باشد و شوfer داشته باشد و امثال ذلک؛ و یکی شب برود پیش بچه‌ها یش نان نداشته باشد. نمیشود این؛ این عملی نیست. نه اسلام با این موافق است، نه هیچ انسانی با این موافق است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۴۷۰).

مبانی دیگری نیز برای حقوق شهروندی ذکر شده است که به نظر می‌رسد رجوع آنها به همین اصول یاد شده است و لذا جهت رعایت اختصار از ذکر آنها پرهیز می‌شود

۲,۳. حقوق شهروندی در اسلام

برای ارائه الگوی شهروندی از نگاه اسلام تمامی ابعاد و مولفه‌های آن باید مورد توجه قرار گیرد و نباید این مسئله را جدای از مباحث فقه، اخلاق، کلام و... تحلیل کرد.

۲,۳,۱. ابعاد حقوق شهروندی در اسلام

به طور کلی شهروندی و حقوق مرتبط به آن را در فقه سیاسی می‌توان در ابعاد سه‌گانه زیر تعریف و بررسی نمود:

۱) حقوق مدنی شهروندان: حقوقی همچون حق امنیت، مصون بودن حیثیت، جان، مال و مسکن اشخاص و انجام احوال شخصیه، مهم‌ترین حقی است که همه ملت به ویژه بیگانگان و اقلیت‌ها باید از آن برخوردار باشند.

۲) حقوق سیاسی شهروندان مانند حق آزادی بیان و عقیده و مشارکت سیاسی.

۳) حقوق اجتماعی شهروندان، مانند حق کارکردن و تأمین معاش.

با عنایت به مطالب فوق براساس یک تقسیم بندی کلان حقوق شهروندی شامل حقوق سه گانه

حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌باشد که در ادامه به دلیل اینکه پژوهش حاضر به ابعاد سیاسی حقوق شهروندی می‌پردازد، به تشریح ابعاد حقوق مدنی و حقوق سیاسی براساس مبانی و قواعد فقهی پرداخته شده است.

۲،۳،۱،۱. حقوق مدنی و مبانی فقهی آن

حقوقی همچون حق امنیت، مصون بودن حیثیت، جان، مال و مسکن اشخاص و یا حقوقی که مربوط به حفظ ذات و عرض انسان است، حقوق مدنی گفته می‌شود؛ زیرا پیش از هر چیز، اعمال این حقوق به ظرفیت دولت و نمایندگان دولت بستگی دارد تا افراد عادی. حقوق مدنی مصادیق فراوانی دارد که مهم‌ترین آن حقوق مربوط به آزادی عملکرد است.

حقوق مربوط به آزادی عملکرد

آزادی فردی یعنی این که شخص در رفت و آمد، اقامت و ترک محل زندگی، پذیرش تابعیت کشور خود یا کشور دیگر و... آزاد باشد و از توقیف بدون دلیل مصون و محفوظ بماند. در اصل ۳۲ قانون اساسی آمده است: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. حقوق مربوط به آزادی عملکرد مصادیقی را به خود اختصاص می‌دهد که برخی از آن‌ها را در ادامه اجمالاً بیان می‌کنیم.

الف) آزادی حیات انسان

در بحث از آزادی حیات، ادله فقهی بر اساس قاعده «لاضرر» اضرار بر خود و «لاضرار» اضرار بر دیگران (به هر شکلی باشد که یکی از مصادیق آن از خراش وارد کردن تا خودکشی و ترور) را محکوم و تحریم کرده است؛ همانطور که در آیه شریفه نیز به این مهم اشاره شده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «مَنْ أَجْلِيَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» (سوره مائده، آیه ۳۲).

یعنی هر کسی که شخص دیگری را به ناحق بکشد، گویی همه مردم را به قتل رسانده است. در ادله قرآنی، آزادی حیات انسان و عدم قتل او تا آنجایی اهمیت دارد که شرط پذیرفتن بیعت زنان را تعهد آنان بر عدم قتل فرزندانشان (سوره ممتحنه، آیه ۱۲) قرار می‌دهد. عملی که در قرآن، آن را به عنوان یک عمل جاهلی تقبیح کرده و انسان‌ها را از آن منع کرده است (سوره اسراء، آیه ۳۱؛ سوره انعام، آیه ۱۴۰).

به دلیل کثرت روایات درباره عدم تجویز قتل فقط به این کلام امام علی (ع) بسنده می‌کنیم که می‌فرماید: «بترس از اینکه خون بیگانه‌ای را بریزی، زیرا ریختن خون ناحق، موجب کیفر الهی و زوال نعمت و کوتاهی عمر و سقوط حکومت می‌شود و نخستین چیزی را که خداوند سبحان روز قیامت میان

بندگانش حکم می‌کند، خون‌های ناحقی است که ریخته شده است». (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸) البته از این نکته هم نباید غافل بود که طبق آیات و روایات، حق حیات را نمی‌توان از کسی گرفت «إلا ما خرج بالدلیل»؛ که البته شامل مواردی که قرآن کریم (سوره مائده، آیه ۳۲) به ما اجازه می‌دهد تحت شرایط و قیودی، آزادی حق حیات نفی شود، است؛ یعنی به قتل فرد حکم داده می‌شود بدون اینکه در حق آن فرد هم ظلمی شده باشد و آن موارد عبارتند از: قصاص، سب نبی (ص)، مفسد فی الارض، محارب و....

ب) آزادی مسکن

حق آزادی مسکن به این معنی است که افراد بدون اجازه صاحب‌خانه نمی‌توانند وارد خانه شخص دیگری شوند؛ چنان‌که خداوند متعال در آیه می‌فرماید: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (سوره نور، آیه ۱۸). نکته بعدی در آزادی مسکن این است که مسلمانان در هر جایی بخواهند می‌توانند سکن بگزینند؛ عبارت «البلاد بلاد الله و العیال عیال الله» (متقی هندی، ۱۹۸۹: حدیث ۹۰۴۶) دال بر این معنا است؛ اما از سوی دیگر دلیل مهمی که با اصل آزادی مسکن در تضاد است این است که در دوران جدید با پذیرفتن مرزها و حاکمیت ملی هر مسلمانی نمی‌تواند به راحتی هر جایی که خود می‌خواهد مسکن اختیار نماید حتی در کشور مسلمان دیگر، چون پذیرش مرزها و حاکمیت ملی و تابعیت، مانع اجرایی شدن ایده زمین برای زندگی و اصل آزادی مسکن در هر نقطه‌ای می‌گردد.

ج) آزادی حق مالکیت

اصل مالکیت فردی به معنای مالکیت انسان بر اموال، دارایی‌ها و کار و تلاش خود و همچنین صاحب اختیار بودن نسبت به آن‌ها است که هرگونه سلطه دیگری را نفی می‌کند و مستند آن قاعده «سلطه» در فقه است که از روایت «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۷۲) مستفاد شده و همچنین از حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص): «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۵۴۱) نیز قابل برداشت است.

۲.۳.۱.۲. حقوق سیاسی شهروندان و مبانی فقهی آن

حقوق سیاسی حقوقی است که به موجب آن شخص دارنده حق می‌تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کرده و نقش داشته باشد. مهم‌ترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی و حق دارا بودن تابعیت. همچنین حق آزادی بیان و آزادی عمل در انجام اعمال مذهبی توسط اقلیت‌ها نیز یکی از مهم‌ترین حقوق سیاسی شهروندی قلمداد شده است؛ بنابراین لازم است بررسی شود که این حق در منابع دینی و مبانی و آرای فقهی فقها چگونه تفسیر شده است؟

الف) حق آزادی بیان

یکی از مستندات روایی که درباره آزادی بیان به آن می‌توان استناد کرد، فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر است که به او هشدار می‌دهد: «لشکر و یارانت از گروه محافظان و پاسداران را از جلوگیری کردن صدای مردم به خودت بازدار تا سخنگوی آنان در کمال آزادی و بدون لکنت زبان و ترس با تو سخن گویند». رهبر کبیر انقلاب در خصوص آزادی بیان می‌فرماید: «آزادی، حق اولیه بشر است و اینکه کسی می‌خواهد در حرف زدن آزاد باشد این نیازی به اجازه و اعطای کسی ندارد و اصولاً این گزاره - که آزادی را اعطا کردیم - را فقها جرم محسوب می‌دانند، چون آزادی متعلق به مردم است و خداست که به مردم آزادی داده است».

اما محدوده این آزادی تا کجاست و آیا مردم در حقوق شهروندی می‌توانند این آزادی را به طور مطلق داشته باشند یا ممکن است مطلق بودن آن با حقوق شهروندی معارض باشد؟ چنانچه آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «اگر آزادی موجب اخلال در اصول اخلاقی گردد فقها بر اساس شریعت مانع آن خواهند شد» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

پس می‌توان گفت که در حقوق شهروندی آزادی یکی از معیارهاست اما نه اینکه بدون قید و رها باشد و محدودیت‌هایی را می‌توان برای آن تصور نمود.

ب) حق انتخاب شدن

یکی از حقوق شهروندی که جزو حقوق سیاسی افراد جامعه است، حق انتخاب شدن به عنوان متصدی یک مسئولیت در حکومت اسلامی است که باید به نوعی باشد که همه افراد، توانایی انتخاب شدن و نماینده شدن برای تصدی مسئولیت را داشته باشند اما در حکومت اسلامی برای این حق شهروندی، محدودیت‌هایی نیز ذکر می‌شود؛ چرا که در حکومت اسلامی، افرادی باید متصدی مسئولیت شوند که به مبانی آن پایبند بوده و سعی در اجرایی کردن احکام آن را داشته باشند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این باره می‌فرماید: «بعضی می‌گویند حق شهروندی انتخاب شدن را نایبستی سلب کرد. حق انتخاب شدن، حق شهروندی معمولی مثل حق شغل و کسب و کار و ساکن شدن در شهر و راه رفتن در خیابان و خریدن اتومبیل و... نیست. این یک حق شهروندی است که برای دارنده آن صلاحیت‌هایی لازم است که این صلاحیت‌ها باید احراز شود. مسئول احرازش هم فقط شورای نگهبان نیست؛ هم وزارت کشور است، هم شورای نگهبان، که باید صلاحیت‌ها را احراز کنند. در احراز صلاحیت نامزدها خود مردم بهترین افراد هستند و بیشترین مسؤولیت‌ها را دارند که وقتی انسانی را احراز صلاحیت کردند، به همدیگر معرفی کنند و آن کسانی که می‌توانند، برای آن شخص امکانات فراهم نمایند، تا انسان صالح بتواند وارد این میدان شود».

۲,۳,۲. مؤلفه‌های حقوق شهروندی

به مبحث حقوق شهروندی می‌توان در دو سطح اصلی و فرعی پرداخت که هر کدام دارای چهار ویژگی است. به عبارت دیگر می‌توان یک بسته شهروندی را به‌گونه‌ای مدنظر قرار داد که دارای هشت مؤلفه باشد.

۲,۳,۲,۱. مؤلفه‌های اصلی شهروندی

مؤلفه‌های اصلی شهروندی عبارتند از: تابعیت، حقوق (دارای اقسام مختلف)، مسئولیت و مشارکت.

الف) تابعیت

تابعیت، یک مفهوم اعتباری است که وابستگی یک شخص حقیقی یا حقوقی را به یک نظام سیاسی موسوم به دولت تایید می‌کند. تابعیت یک نوع وابستگی سیاسی را برای فرد درقبال جامعه ایجاد مینماید و ممکن است افرادی در جهان پیدا شوند که به دلایل مختلف از جمله جنگ‌ها تابعیت خود را از دست داده و تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشند که به آنها بی تابعیت یا «آپاترید» می‌گویند. گفتنی است اشخاصی که فاقد تابعیت می‌باشند از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم هستند.

تابعیت یک رابطه حقوقی است زیرا از آثار حقوقی مثل حقوق و امتیازات در نظر گرفته شده در قوانین و مقررات آن کشور برخوردار خواهد بود، یک رابطه سیاسی است چرا که ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند و در آخر یک رابطه معنوی است چراکه مربوط به مکان خاصی نبوده که شخص در آنجا زندگی می‌کند. مانند اینکه شما به عنوان یک فرد ایرانی به هرجایی از این کره خاکی سفر کنید بازهم ایرانی محسوب می‌شوید.

ب) مسئولیت

در لغت «مسئولیت، مصدر جعلی از مسئول، ضمانت، ضمان، تعهد و مواخذه است. و آنچه که انسان از وظایف و اعمال و افعال عهده دار و مسئول آن باشد». و در اصطلاح حقوقی مسئولیت «تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است». آمده و «در همین معنا لفظ ضمان را به کار برده‌اند و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و مسئولیت کیفری است». بنابراین در هرجایی که کسی مکلف به جبران خسارات دیگری است، در برابر او مسئولیت داشته و باید پاسخگو باشد.

مفهوم شهروندی با مسئولیت و مسئولیت پذیری احاد جامعه همراه است فرد از آنجا که در جامعه ایینه دیگران است هرگونه تسامح در انجام وظایف خود را در زیرساختهای جامعه مؤثر می‌داند خوشایندترین احساس شهروندی تعاون، تعامل همکاری و پذیرش کمک به دیگران و به دوش کشیدن مسئولیت خود و دیگران است (فتحی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۸)

ج) مشارکت

در مورد مشارکت به دو بحث مشارکت‌کنندگی و مشارکت‌شوندگی می‌توان پرداخت. منظور از مشارکت‌کنندگی یعنی افراد در انتخابات برای سرنوشت خود احساس مسئولیت کرده و جهت انتخاب افراد اصلح وارد صحنه میشوند ولی منظور از مشارکت‌شوندگی منظور افرادی هستند که به عنوان نامزد تصدی مسئولیتی وارد صحنه میشوند. در مورد مشارکت‌کنندگی چالش خاصی وجود ندارد ولی در مشارکت‌شوندگی یعنی این که هر کسی توانایی شرکت در مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و... داشته باشد در این مباحث دچار مشکلاتی هستیم که باید در حوزه شهروندی حل شود.

زمانی که اشخاصی به کشوری دیگر مهاجرت میکنند مشاهده میکنیم که شهروندی شامل آنها نمیشود ولو حقوق بشر شامل این افراد باشد. این به علت مورد اول یعنی تابعیت است چرا که برای برخوردای از حقوق شهروندی یکی از شروط تابعیت است؛ و عضویت و تابعیت هم دارای ملاک‌های متفاوتی است مانند اینکه خاک را معیار قرار دهیم یا خون و یا... که متناسب با اینکه هر کدام از اینها مدنظر قرار گیرد حقوق اساسی را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن مشارکت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

شهروندی مجموعه‌ای به هم پیوسته از تعهدات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده و به دنبال برابری است که مثلاً در اشتغال و مسکن و موارد مختلف دیگر برای همه مد نظر است و وظیفه دولت تأمین این نیازها برای همه افراد می‌باشد.

مبحث دیگری که در مشارکت تأثیرگذار است احساس تعلق برای جهت مشارکت است که شخص در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و... دغدغه شرکت و اثرگذاری را داشته باشد و هر چقدر این احساس تعلق بیشتر باشد مشارکت نیز بیشتر خواهد بود.

۲.۳.۲.۲. مؤلفه‌های فرعی حقوق شهروندی

مؤلفه‌های فرعی نیز شامل موارد زیر هستند:

تقاضاها: به میل، خواست و توانایی یک فرد برای دریافت کالا یا خدمات اطلاق می‌گردد. نیازها: مجموعه مواردی که انسان برای رشد و تعالی در امور مختلف زندگی به آنها وابسته است. توقعات: منظور از توقعات، رضایتمندی اجتماعی است و متناسب با توقعات، دولت باید توان پاسخگویی به آنها را داشته باشد و البته سطح و نوع توقعات مردم را نیز بتواند کنترل و تأمین کند. انتظارات: منظور از انتظارات مباحث ارزشی مانند عدالت، برابری و... است و از این حیث با توقعات متفاوت می‌باشد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که حقوق شهروندی یک موقعیت تابعیت و عضویت بوده که شامل تعدادی وظایف، تعهدات و مشارکت است که به دنبال برابری و استقلال می‌باشد.

۲.۴. بررسی وضعیت فعلی و آرمان حقوق شهروندی

با بررسی جوامع امروزی مشاهده می‌شود که این جوامع، جوامعی موزائیکی بوده و همگن و یکرنگ نیستند و می‌توان هویت‌های مختلفی را در آنها جستجو کرد؛ مثلاً در کشور ایران سه نوع هویت قابل مشاهده است: هویت ایرانی، هویت غربی و هویت اسلامی؛ این هویت‌های موجود، پیش‌فرض ذهنی شخص یا افراد خاصی نبوده بلکه انتزاعی است که از حقیقت بیرونی سرچشمه گرفته و تنها کار صورت‌گرفته، گونه‌شناسی آن در جامعه بیرونی بوده است.

به تبع این هویت‌های مختلف، نظام‌های سیاسی متفاوتی بوجود خواهد آمد و این‌طور نیست که بحث شهروندی در هر نظامی معنادار باشد و در نظام سیاسی مردم سالار و دموکراسی محور شهروندی معنادار خواهد بود. امروزه مشاهده این نظام‌های سیاسی متفاوت و هویت‌های متفاوت برخاسته از آن اقتضا می‌کند که اگر همه این نظام‌ها مطلوب بوده و قرار بر این باشد همه افراد در آنها نقش‌آفرینی کرده و قدرت سیاسی را به وجود بیاورند و در کنار هم زندگی صلح آمیزی داشته باشند، باید به این ماهیت این نظام‌های سیاسی توجه ویژه‌ای داشت.

بدیهی است انقلاب اسلامی ایران به گواه بسیاری از افراد که هم تجربه زیست در دوران طاغوت قبل از انقلاب اسلامی را داشته و هم دوران بعد از انقلاب اسلامی را درک کرده‌اند و یا حتی کسانی که تاریخ را مطالعه کرده باشند، در بسیاری از زمینه‌ها قابل مقایسه نیست. حقوق شهروندی نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، چه در عرصه قوانین که تجلی آن در قانون اساسی باشد و چه در عرصه اجرا توسط متصدیان امر، تفاوت‌های بنیادینی را به خود دیده است. البته شاید این تفاوت خیلی هم دور از انتظار نباشد؛ زیرا دیدگاه دو نظام و حکومت نسبت به انسان‌های جامعه تفاوت‌های اساسی دارد و یکی به دید ابزار به انسان‌ها می‌نگرد و دیگری به دید کرامت نفس.

حال باید بررسی کرد آیا بعد از انقلاب اسلامی متناسب با اهداف و مبانی آن، آیا به آرمان حقوق شهروندی دست یافته شده است؟ آیا می‌توان ادعا کرد که در این زمینه حکومت اسلامی و افراد جامعه توانسته‌اند این حقوق را فراهم کرده و اجرا کنند؟ بنا به فرمایش امامین انقلاب اسلامی ایران به نظر می‌رسد پاسخ منفی است؛ یعنی هر چند تفاوت عمده‌ای نسبت به قبل از انقلاب رخ داده است اما در مقایسه با اهداف و آرمان‌های انقلاب، هنوز در ابتدای مسیر بوده و راه زیادی در پیش هست؛ چراکه به فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) اسلام، جامعه‌ای می‌خواهد که در آن اسلام افراد و مجموعه یک ملت، مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه ملت‌ها؛ و تکنونا شهداء علی الناس یعنی می‌توان گفت جامعه‌ای که بتوان ادعا کرد که حقوق شهروندی به طور کامل رعایت می‌شود همان جامعه اسلامی است که به فرموده معظم له محقق نشده است و تنها در صورت تحقق آن، می‌توان ادعا کرد که حقوق شهروندی نیز در حد مطلوبی در قوانین اجرا خواهد شد.

در همین راستا می‌توان ادعا کرد که در زمینه‌های خاصی از جمله آزادی، برابری و به خصوص امنیت که از مهم‌ترین حقوق شهروندی محسوب می‌شود، موفقیت‌های چشمگیری صورت گرفته اما در همه زمینه‌ها حقوق شهروندی به طور کامل محقق نشده است. همچنین نکته‌ای که غالباً در فضای حقوق شهروندی مورد غفلت قرار می‌گیرد، حقوق معنوی افراد جامعه و بسترسازی در جهت رشد و تعالی اوست که در این زمینه با وجود پیشرفت‌های زیاد و رشد چشمگیر در مراسم معنوی مانند اعتکاف، شب‌های قدر، عزاداری‌ها و... هنوز هم در عرصه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و سیستم مدیریت اجرایی در این زمینه چالش‌های بسیار جدی وجود دارد که امید است با همت مسئولان قانون‌گذار و مجریان و ناظران عمل به قانون، سعی در رشد هر چه بیشتر در زمینه‌های مختلف حقوق شهروندی صورت گیرد.

۲.۵. چالش‌های حقوق شهروندی اسلامی

با توجه به مطالب بیان شده حال باید بررسی کرد که موانع دستیابی به حقوق شهروندی چیست و چه چالش‌هایی در این زمینه مطرح است؟ اهم چالش‌ها باتوجه به مطالعات جامعه‌شناسانه صورت گرفته به قرار زیر است:

۲.۵.۱. چالش ایضاح مفهومی شهروندی

در خصوص مفاهیم به کار رفته در حقوق شهروندی، تعریف شفاف و واضحی وجود ندارد و اختلافات درباره معانی به کار رفته، بسیار چشمگیر است. مثلاً در مورد مفهوم تابعیت، سوال این است که تابعیت بر اساس چه معیاری است؟ آیا معیار عقیده است یا خون؟ هر کدام یک از این معانی که اخذ شوند، نتایج متفاوتی به دنبال خواهند داشت. راهکار این چالش باید طوری طرح گردد که توانایی توجیه واقعیت‌ها و تضادهایی که در حیطه شهروندی وجود دارد را بتواند حل بکند؛ یعنی بتواند مسئله را با رویکرد انفتاحی حل کند نه با رویکرد انسدادی.

قانون‌گذار باید حین قانون‌گذاری در حیطه شهروندی، تعاریف دقیق و واضحی را از مؤلفه‌های به کار رفته در قانون ارائه دهد تا تضادهایی را که در قانون‌گذاری حقوق شهروندی وجود دارد را برطرف سازد. قانون‌گذاری برای این مهم، باید مراحل ارجاع به منابع، جمع بین مبانی مختلف، جمع بین فهم‌های متفاوت از یک مبنا و عملکردهای گوناگون از یک فهم مشترک را طی کند.

بنابراین می‌توان بیان کرد که در جهت کشف و پیاده کردن مفاهیم مرتبط با حقوق شهروندی، چهار مرحله قابل بررسی است:

الف) ارجاع به منابع

یعنی ارجاع به کتاب و سنت و عقل و... همچنین منابع دیگری که در این زمینه هر تفکری موجود است. اینکه از چه منبعی معانی این مفاهیم باید استخراج شود، منابع متعددی موجود هستند و یکی از

چالش‌های مسئله حقوق شهروندی این است که افراد از چه منبعی پاسخ این حقوق را خواهند داد؟

ارجاع به مبانی

در بسیاری از موارد ممکن هست منابع افراد جهت پاسخگویی یکسان باشند اما مبانی آنها متفاوت باشد که در این صورت نیز راهکارهای در زمینه حقوق شهروندی دچار تفاوت‌هایی خواهد شد؛ به عبارت دیگر شخص از چه زاویه‌ای به مسئله خواهد پرداخت؟ به عنوان مثال ممکن است فردی از زاویه حقوق و فردی دیگر از زاویه تکلیف، مسائل را مورد بررسی قرار دهد.

فهم

مسئله دیگر ناظر به فهم افراد است که بنا بر دلایل مختلف، افراد فهم یکسانی از یک منبع و مبنا نداشته باشند؛ تفاوت‌هایی که ناشی از محیط زندگی، زاویه دید، علومی که افراد به آن اشتغال داشته و در آن تخصص دارند و باعث می‌شود از زاویه‌های مختلف مسئله را مورد بررسی قرار داده و فهم متفاوتی داشته باشند.

عملکرد

در صورتی که حتی اگر فهم افراد هم یکسان باشد، در صحنه عمل، عملکردهای متفاوتی خواهند داشت که باز هم تفاوت‌های عمده‌ای را در این زمینه پدید خواهد آورد.

۲.۵.۲. عدم آشنایی کارگزاران با مجموع وظایف خود در احقاق حقوق شهروندان

یکی از مسائلی که بیشتر در حیطه عمل به حقوق شهروندی مربوط می‌شود و مشکلاتی را در این زمینه ایجاد می‌کند این است که کارگزاران بعد از مشکل‌گشایی در حیطه نظری و مفهومی، از مهارت‌های فنی جامعی در برخورد با مسائل شهروندی برخوردار نیستند و لذا در قانون‌گذاری یا عمل به قانون و اجرایی کردن آن دچار مشکلاتی در این زمینه می‌شوند.

کارگزاران حکومت اسلامی اعم از سیاستگذاران، قانون‌گذاران و مدیران اجرایی باید مجموعه وظایف خود در احقاق حقوق شهروندی آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند در امر سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرای این حقوق، عملکرد مطلوبی را داشته باشند.

۲.۵.۳. آشنا نبودن شهروندان با حقوق شهروندی

به طور مثال در قبض برق در یک قسمتی نوشته شده است که حق بیمه یعنی اینکه از مشترکان شهری مبلغی و مشترکان روستایی نیز مبلغی دیگر به عنوان حق بیمه اخذ شود اما بسیاری از مشترکان مطلع نیستند که این هزینه چرا از آنها اخذ می‌شود؟ نمی‌دانند که اگر در خانه‌ای به دلیل نوسانات برق، وسیله برقی آنها دچار آسیب شود، می‌توانند هزینه آن را از اداره برق بستانند ولی به دلیل عدم آشنایی، بسیاری از حقوق افراد در این زمینه پایمال می‌شود. بنابراین به نظر یکی از

مشکلات اساسی در احیای حقوق شهروندی، آشنا نبودن شهروندان با حقوق خود است که البته این امر، مشکلاتی را نظیر بدبینی به حکومت را نیز به دنبال می‌آورد و اگر این آشنایی از حقوق، وجود داشت میزان رضایتمندی از حکومت نیز افزایش پیدا می‌کرد.

دولت موظف است راهکارهای آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی را در بسترهای ممکن مهیا سازد تا شهروندان نسبت به تمامی این حقوق، شناخت کافی را داشته و در احقاق آن‌ها وظایف خود را به درستی ایفا کنند. عدم آشنایی شهروندان از این حقوق، موجب نارضایتی آن‌ها از عملکرد دولت در بخش‌های مختلف می‌شود.

۲.۵.۴. عدم التزام به حقوق شهروندی

مشکل دیگر که بعد از آشنایی مردم از حقوق شهروندی خود، ممکن است به وجود بیاید، عدم التزام به حقوق شهروندی است. یعنی شخص با وجود آگاهی از حقوق شهروندی، التزام به رعایت آن‌ها را نداشته و این مشکل ممکن است هم در حیطه کارگزاران نسبت به مردم رخ دهد و هم خود مردم نسبت به همدیگر این حقوق را پایمال کنند؛ یعنی به نوعی یکی از مشکلات اساسی در عمل نکردن مسئولان و مردم به قانون‌های خُرد است.

مجلس شورای اسلامی باید الزامات قانون‌گذاری در راستای التزام شهروندان به حقوق شهروندی را در جعل قوانین مد نظر قرار داده و مواد قانونی را به گونه‌ای تنظیم نماید که شهروندان نسبت به رعایت حقوق شهروندی خود و دیگر شهروندان ملتزم باشند.

۲.۵.۵. اختیارات بیش از حد دولت

در برخی از ارکان دولت اعم از دولت‌های تابعه، وزارت‌خانه‌ها و... به دلیل اختیارات بیش از حدی که دارند، حقوق شهروندی رعایت نمی‌شود. به طور مثال اگر یک طرف نزاع، شخص حقیقی و طرف دیگر آن، دولت باشد، غالباً حق شخص نادیده گرفته می‌شود و این امر به دلیل اختیارات دولت بیش از حد است. به عنوان نمونه اگر شخص در خصوص پرداخت وام دیرکرد داشته باشد، جریمه تاخیر باید پرداخت شود ولی اگر همین شخص از دولت طلب داشته باشد، ممکن است اصل پول مورد مطالبه به سختی اخذ شود چه برسد به دیرکرد آن. در شاهد مثالی دیگر در مکان‌هایی که قصد احداث جاده از طرف وزارت راه و شهرسازی یا شهرداری وجود دارد، خانه‌های شخصی در مسیر راه خریداری می‌شود ولی متأسفانه در پرداخت هزینه خانه توسط دولت، روند طولانی وجود دارد.

دولت موظف است راهکارها و سازوکار اجرایی احقاق حقوق شهروندی مرتبط با دولت را طراحی و اعلام نماید. این ساز و کار باید به نحوی باشد که شهروندان در صورت مطالبه حق شهروندی خود از دولت، به راحتی به حق خود برسند.

۲,۵,۶. مصون بودن قوای سه‌گانه از اعتراض

برخی از مسائل مربوط به حقوق شهروندی، بیشتر در حیطه اجرا است و نه در قانون‌گذاری. اجرا نکردن قوانین مصوب شده مجلس شورای اسلامی توسط نهادهای و سازمان‌های اجرایی دولت، مسئله‌ای است که پایمال شدن بسیاری از حقوق شهروندی می‌شود. روند اعتراض به قوای سه‌گانه، روندی بسیار پیچیده و در بسیاری از موارد، امکان دسترسی شهروندان عادی به این اعتراض فراهم نیست. اعلام وصول شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، دیوان عدالت اداری و بررسی اعتراض در این نهادها، روند اداری نسبتاً طولانی و سختی را دارد که همه شهروندان، امکان دسترسی به آن را ندارند.

باید راهکارهای اعتراض و شکایت شهروندان به کارگزاران و ساختارهای اداری قوای سه‌گانه سهل الوصول گردد و شهروندان با بوروکراسی کمتری بتوانند شکایت‌های خود را به مقامات عالی برسانند. در این خصوص، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و دیوان عدالت اداری باید تدابیر سهل الوصولی شکایت‌های شهروندان را بررسی کنند.

۲,۵,۷. کثرت تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی

بسیاری از تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی سبب تضییع حقوق شهروندی و سلب آرامش از شهروندان می‌گردد؛ به طوری که اگر این تشریفات اداری حذف نشوند، حقوق شهروندی با مشکلاتی مواجه خواهد شد و البته در برخی از زمینه‌ها، مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است. نمونه‌ای در این زمینه که برای غالب شهروندان اتفاق افتاده این است که در برخی از موارد، شخصی که به اداره‌ای رجوع می‌کند، مقام مسئول در جلسه بوده یا در مسئولیت خود حاضر نبوده است و جایگزینی هم برای خود تعیین نکرده است و حقوق ارباب رجوع به راحتی پایمال می‌شود. به عبارت دقیق‌تر قانون استمرار خدمت در این موارد اصلاً رعایت نمی‌شود و این چالش متأسفانه بسیار شایع است.

مجلس شورای اسلامی باید قوانین مربوط به تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی که سبب تضییع حقوق شهروندی می‌شوند را منقح کرده و در برخی موارد، مواد اصلاحی را به قوانین مربوطه پیشنهاد کند. تمامی نهادها و دستگاه‌های دولتی نیز موظف هستند که تشریفات اداری و بوروکراسی را به حداقل برسانند و حقوق شهروندان ارباب رجوع را محقق کنند.

۲,۵,۸. تهدید مالکیت خصوصی شهروندان

در ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی علاوه بر احترام به حق مالکیت شخصی شهروندان بر عدم امکان سلب یا توقیف اموال مردم یا ایجاد مزاحمت نسبت به حقوق مالکانه آنها تأکید شده است. نبود اهتمام چندان دولت به حفظ مالکیت خصوصی شهروندان، چالش‌هایی را در حقوق شهروندی

ایجاد کرده است، مواردی مثل برداشت‌ها بی از حساب اشخاص، مسدودی حساب‌ها، قوانینی که به خاطر عدم اطلاع رسانی به شهروندان ضررهای مالی و معنوی می‌رساند و این جنس کارها که در تعارض با قانون اساسی و حقوق شهروندی می‌باشد.

دولت موظف است که احترام کامل به مالکیت خصوصی شهروندان داشته و کوچک‌ترین تعدی نسبت به آن نداشته باشند مگر در جایی که ملاک و مصلحت قوی‌تری در نظام اسلامی وجود داشته باشد.

۲,۶. راهبردها و راهکارهای حقوق شهروندی

۲,۶,۱. ایفای درست نقش احزاب

با بررسی عملکرد احزاب شکل گرفته در ایران، می‌توان گفت که احزاب بنا به انجام ماموریت‌های خود، به درستی شکل نگرفته و آنچه که در طی سال‌های اخیر مشاهده شده است، بیشتر جنبه سهم‌خواهی در صورت پیروزی حزب در انتخابات بوده است. در صورتی که یکی از وظایفی که بر عهده احزاب می‌باشد، عبارت است از: تجمیع مطالبات شهروندان و ارسال به قوای سه گانه به خصوص قوه مقننه که عملکرد آنها گواه این مطلب است که تاکنون به درستی انجام نگرفته است؛ لذا احزاب در این خصوص موفق نبوده و نتوانسته درصدد افزایش آگاهی سیاسی شهروندان، کار به خصوصی انجام دهد. افزایش آگاهی سیاسی شهروندان، می‌توانست رشد در مسائل حقوق شهروندی را فراهم آورد. از طرف قوه مقننه هم باید احزاب را به رسمیت بشناسد تا آن‌ها بتوانند چنین مسئولیتی را انجام دهند.

احزاب سیاسی باید مهم‌ترین ماموریت خود که تجمیع مطالبات حقوق شهروندان و ارسال آن به قوای سه گانه به خصوص قوه مقننه است را به درستی انجام دهند و صرفاً ماموریت خود را در سهم‌خواهی پیروزی در انتخابات منحصر نکنند.

۲,۶,۲. افزایش آشنایی کارگزاران با مجموع وظایف خود در احقاق حقوق شهروندان

یکی از راه حل‌های برطرف کردن چالش‌های مربوط به حقوق شهروندی، بالا بردن مهارت‌های فنی، ادراکی و شناختی کارگزاران است؛ یعنی مسئولین توانایی تشخیص مسائل شهروندی، آینده‌نگری و کلان‌نگری در این زمینه را داشته باشند و در امر رفتار کارگزاری، ضابطه‌مندی، سودمندی و کارکردی را دارا باشند و در حیطه ساختاری، انطباق‌پذیری را دنبال کنند یعنی ساختار منطبق با شرایط باشد.

۲,۶,۳. تغییر اندیشه تنازع‌طلبی شهروندان

اندیشه افراد جامعه اگر به صورت تنازع باشد، چالش‌های زیادی را در امر شهروندی ایجاد خواهد کرد؛ از این‌رو تلاش باید این باشد که فرهنگ تسابق در جامعه نهادینه شود. متأسفانه هنوز هم رویکرد

رفتاری در برخی از نهادهای اجرایی مانند سیستم آموزش و پرورش بر اساس همین اندیشه بوده و افراد بر اساس این اندیشه، تربیت می‌شوند لذا تنازع و درگیری بالا رفته و بسیاری از حقوق شهروندی توسط خود مردم نادیده گرفته می‌شود. و مسابقه نیز دو چیز نیاز دارد:

یک) آزادی افراد

دو) نظم اجتماعی

و در تسابق این دو مورد لحاظ می‌شود؛ چرا که وقتی زندگی عرصه مسابقه شد افراد بر اساس لیاقت و استعداد به دنبال حفظ حقوق هستند.

با فرهنگ‌سازی و انجام آموزش‌های ویژه برای شهروندان باید اندیشه تنازع طلبی میان آن‌ها جهت رسیدن به حقوق خود از میان برود و فرهنگ تسابق در جامعه نهادینه شود. دولت و مجلس شورای اسلامی برای انجام این مهم باید از ظرفیت نهاد آموزش و پرورش و سازمان‌های مردم نهاد استفاده شود.

۲,۶,۴. بهره‌گیری از ظرفیت نهاد آموزش و پرورش در جهت آموزش حقوق شهروندی

جهت آموزش حقوق شهروندی و پرورش شهروندان در خصوص التزام به حقوق شهروندی، پیشنهاد می‌شود از همان دوران تحصیلات مقدماتی (ابتدایی)، دانش‌آموزان با حقوق شهروندی خود آشنا شوند تا هم بتوانند مطالبات صحیحی در این زمینه داشته باشند و هم اینکه حقوق دیگران را در نظر گرفته و آن‌ها را پایمال نکنند. متأسفانه در زمینه آموزش این حقوق، خلأهای جدی وجود داشته و بدتر از آن در زمینه پرورش. همچنین می‌توان در برنامه‌ای مدون و مشخص به تربیت معلمان از حیث مباحث حقوق شهروندی پرداخت که از این طریق بر روی بدنه پرجمعیت دانش‌آموزان که آینده این کشور هستند، اثرگذاری بهتری داشت.

۲,۶,۵. شبکه‌ای دیدن راهکارهای موجود در حل مسائل شهروندی

باید راهکارهای موجود در حل مسائل حقوق شهروندی را به صورت شبکه‌ای لحاظ کرد و همه نهادهای خانوادگی، آموزش و پرورش، سیاست، صدا و سیما و... را به صورت هماهنگ وارد حل مسئله حقوق شهروندی کرد و اگر مسئله به صورت تک بعدی مدنظر قرار بگیرد نمی‌توان به راحتی مسئله را حل کرد. باید آموزش حقوق شهروندی برای شهروندان در تمامی ابعاد صورت پذیرد و آموزش هم صرفاً نباید در کلاس درس باشد بلکه تمامی مکان‌های عمومی مانند سینما، پارک، محیط خانه و... می‌تواند محیط آموزش باشد و کسی که به طور مثال به فضای سبز پارک لطمه وارد می‌کند باید بداند که به حقوق شهروندی لطمه وارد کرده است.

۲,۶,۶. انسجام نهادها

یکی دیگر از راهکارهای بهبود حقوق شهروندی انسجام نهادهای مسئول در این زمینه است. به طوری که در بعضی موارد، موازی کاری‌ها یا عدم اطلاع بخشی از بخش دیگر باعث ورود خسارت‌هایی به شهروندان جامعه گشته و می‌توان مثل کاری که در درگاه ملی اطلاعات انجام شده در زمینه‌های دیگر نیز این انسجام و هماهنگی را انجام داد.

نهادهای مسئول در احقاق حقوق شهروندی باید انسجام و هماهنگی کامل با یکدیگر داشته باشند تا از موازی کاری و عدم اطلاع بخشی از بخش دیگر پرهیز شود.

۲,۶,۷. حذف تشریفات اداری

باید راهکارهای در خصوص حذف تشریفات اداری انجام گیرد که هم باعث تحمیل هزینه‌های بر دستگاه اجرایی کشور، و فربه کردن سیستم اداری میشود و هم موجب تضییع وقت بسیاری از شهروندان شده است که با حفظ تشریفات لازم و حذف تشریفات غیر لازم می‌توان سیستم اداری را بهبود داد.

۲,۶,۸. فعالیتهای اجتماعی و مردم‌نهاد در خصوص آموزش‌های شهروندی

یکی از راهکارهای مهم در خصوص آموزش مباحث شهروندی و التزام به آنها آموزش در قالب فعالیتهای جمعی و تشکیلاتی بین افراد است که میتواند در این زمینه کارساز باشد. کار جمعی و تشکیلاتی با توجه به خصوصیت‌هایی که دارد قانونمندی، ایثار، احترام به حقوق دیگران و... را در پی خواهد داشت.

۳. نتایج

نتایج حاصله از چالش‌های موجود در تحقق حقوق شهروندی اسلامی به همراه راهبردها و راهکارهای حل آنها در جدول زیر آورده شده است

راهکارها	چالش‌ها	ردیف
ایفای درست نقش احزاب در خصوص تجمیع مطالبات مردم و افزایش آگاهی سیاسی شهروندان	مشکل ایضاح مفهومی شهروندی	۱
ارائه الگویی جامع همه بعدی با استفاده از علوم مختلف اجتماعی جهت کاهش حرکت‌های زیگزاگی و پراکنده در موضوع شهروندی	تفاوت‌های چالش زا در هر کدام از زمینه‌های منابع، مبانی، فهم و عملکرد	۲

ردیف	چالش‌ها	راهکارها
۳	عدم آشنایی کارگزاران با مجموع وظایف خود در احقاق حقوق شهروندان	۱. بالا بردن آشنایی کارگزاران در راستای افزایش توانایی تشخیص مسائل شهروندی و آینده‌نگری و کلان‌نگری در این خصوص ۲. قانونگذار در عین تصویب قوانین در زمینه‌های مختلف موارد حقوق شهروندی را مانند روحی در کالبد قوانین ملاحظه کند یا در اجرای قوانین مسئولان دولتی به نحوی بخشنامه‌های آن را تنظیم و اجرا کنند که معارض با حقوق شهروندی نشود و موجبات نارضایتی را فراهم نیاورد.
۴	چالش پذیرش یا عدم پذیرش شرایط تکوینی با شرایط قراردادی	شبکه‌ای دیدن مسائل شهروندی و استفاده از ظرفیت تمامی نهادها برای حل مسائل شهروندی
۵	آشنا نبودن شهروندان با حقوق شهروندی	۱. استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش و تدوین کتب و آموزش معلمان در راستای افزایش آگاهی دانش آموزان نسبت به حقوق شهروندی و پرورش آنها در جهت التزام به این حقوق ۲. برنامه ریزی تربیت شهروندان با استفاده از فرهنگ سازی در کارهای جمعی و تشکیلاتی
۶	ملتزم نبودن شهروندان به حقوق شهروندی	۳. تغییر اندیشه افراد جامعه از نگرش تنازع به نگرش تسابق در مسائل اجتماعی سبب کاهش درگیری‌ها و افزایش رقابت سالم
۷	کثرت تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی	حذف تشریفات اداری زائد در دستگاههای مختلف جهت بالا بردن رضایتمندی شهروندان از

ردیف	چالش‌ها	راهکارها
		دستگاه‌های مختلف
۸	اختیارات بیش از حد دولت	انسجام نهادهای مختلف برای حل مسائل شهروندی متناسب با وظایف هر کدام
۹	مصون بودن قوای سه گانه از اعتراض	همه افراد جامعه به حقوق پایه شهروندی باور و نسبت به آنها پذیرش داشته باشند.

نتیجه

- قانون‌گذار باید حین قانون‌گذاری در حیطه شهروندی، تعاریف دقیق و واضحی را از مؤلفه‌های به کار رفته در قانون ارائه دهد تا تضادهایی را که در قانون‌گذاری حقوق شهروندی وجود دارد، برطرف سازد. قانون‌گذاری برای این مهم، باید مراحل ارجاع به منابع، جمع بین مبانی مختلف، جمع بین فهم‌های متفاوت از یک مبنا و عملکردهای گوناگون از یک فهم مشترک را طی کند.

به طور مثال در ماده ۹۷۶ قانون مدنی، مصادیق تبعه ایران در ۷ بند و یک تبصره آورده شده است ولی ملاک تابعیت مطرح نشده است تا تعریف روشنی از مفهوم تابعیت وجود داشته باشد و فقط به ذکر مصادیق بسنده شده است. به طور مشخص معلوم نیست که ملاک تابعیت عقیده (دین و مذهب) است یا خون یا چیز دیگر؟ با نبود تعریف روشن و ملاک دقیق درباره تابعیت، نمی‌توان مصادیق دیگری را به ذیل این ماده قانونی قرار داد و برای اضافه کردن هر مصداق، ماده قانونی باید اصلاح شود. همچنین مواد ۹۷۷ الی ۹۸۰ نیز درباره مصادیق این مهم به نحو دیگری پرداخته است.

- کارگزاران حکومت اسلامی اعم از سیاست‌گذاران، قانونگذاران و مدیران اجرایی باید مجموعه وظایف خود در احقاق حقوق شهروندی آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند در امر سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرای این حقوق، عملکرد مطلوبی را از خود نشان دهند. این مهم در زمینه‌های مختلف می‌تواند از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی توسط هیئت رئیسه کمیسیون‌های تخصصی برای نمایندگان عضو در مورد حقوق شهروندی مربوط به هر کمیسیون و توسط هیئت رئیسه مجلس با موضوع حقوق شهروندی عمومی برای کلیه نمایندگان، صورت پذیرد. نهادها و سازمان‌های اجرایی دولت نیز می‌توانند آموزش‌های تخصصی حقوق شهروندی در زمینه کاری مربوطه را در برنامه هر ساله آورده و شرکت کردن در این دوره‌ها برای مدیران را از شروط استخدام و شروع به همکاری قرار دهند.

- دولت موظف است راهکارهای آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی را در بسترهای ممکن مهیا سازد تا شهروندان نسبت به تمامی این حقوق، شناخت کافی را داشته و در احقاق آن‌ها وظایف خود را

به درستی ایفا کنند. عدم آشنایی شهروندان از این حقوق، موجب نارضایتی آنها از عملکرد دولت در بخش‌های مختلف می‌شود. برای دستیابی به این هدف، دولت می‌تواند از ظرفیت آموزش و پرورش، صدا و سیما، رسانه‌های عمومی استفاده کند تا تمامی حقوق مربوط به شهروندان را به سمع و نظر آنها رسانده باشد.

- دولت موظف است راهکارها و سازوکار اجرایی احقاق حقوق شهروندی مرتبط با دولت را طراحی و اعلام نماید. این ساز و کار باید به نحوی باشد که شهروندان در صورت مطالبه حق شهروندی خود از دولت، به راحتی به حق خود برسند.

- باید راهکارهای اعتراض و شکایت شهروندان به کارگزاران و ساختارهای اداری قوای سه گانه سهل الوصول گردد و شهروندان با بوروکراسی کمتری بتوانند شکایت‌های خود را به مقامات عالی برسانند. در این خصوص، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و دیوان عدالت اداری باید تدابیر سهل الوصولی شکایت‌های شهروندان را بررسی کنند.

- مجلس شورای اسلامی باید قوانین مربوط به تشریفات اداری، انتظامی، امنیتی و قضایی که سبب تضییع حقوق شهروندی می‌شوند را منقح کرده و در برخی موارد، مواد اصلاحی را به قوانین مربوطه پیشنهاد کند. تمامی نهادها و دستگاه‌های دولتی نیز موظف هستند که تشریفات اداری و بوروکراسی را به حداقل برسانند و حقوق شهروندان ارباب رجوع را محقق کنند.

- با فرهنگ‌سازی و انجام آموزش‌های ویژه برای شهروندان باید اندیشه تنازع طلبی میان آن‌ها جهت رسیدن به حقوق خود از میان برود و فرهنگ تسابق در جامعه نهادینه شود. دولت و مجلس شورای اسلامی برای فرهنگ‌سازی از بین رفتن اندیشه تنازع‌طلبی میان شهروندان باید از ظرفیت نهاد آموزش و پرورش و سازمان‌های مردم نهاد استفاده کند. تفکر صلح‌طلبی، کمک به هم‌نوع و خدمت به مردم که از امور فطری انسانی هستند به عنوان یکی از محورهای اصلی آموزشی تحصیلی و پرورشی قرار گیرد و کلیه دانش‌آموزان در دوران تحصیل با این اندیشه انس و الفت کافی برقرار سازند.

سازمان‌های مردم نهاد در ذیل اهداف انسان‌دوستانه خود، آموزش‌های ویژه‌ای را برای مقابله با تفکر تنازع‌طلبی میان شهروندان را طراحی کرده و در قالب دوره‌ها و بسته‌های آموزشی برای اعضای خود و سایر مردم آموزش دهند.

- معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی باید انسجام و هماهنگی کامل بین طرح‌ها و لوایح پیشنهادی را به گونه‌ای تنظیم کند تا از موازی‌کاری و تکرار در قوانین مربوط به حقوق شهروندی کاسته شود. همچنین دولت موظف است کلیه نهادها و سازمان‌های اجرایی را در احقاق حقوق شهروندی منسجم و هماهنگ کند تا از حداکثر ظرفیت خود برای انجام این مهم استفاده کند.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، ج ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۹)، کرامت در قرآن، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳. _____، (۱۳۷۹)، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. جوان آراسته، حسین و محسن ملک افضل، (۱۴۰۱)، حقوق اساسی ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ۳۰ ج، قم: آل البيت لإحياء التراث.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
۷. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۸. فتحی، س. و م. مختارپور، (۱۳۹۰)، «توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، ش ۴، ص ۸۹-۱۰۵.
۹. ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی.
۱۰. متقی هندی، علی ابن حسام الدین، (۱۹۸۹)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۹)، نظام حقوق زن در اسلام، قم: انتشارات اسلامی.
۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: زرین.
۱۴. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، تحریر الوسيله، تهران: اسماعیلیان.
۱۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۷

بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های عملکردی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع حجاب و عفاف

جواد ابراهیمی^۱

چکیده

این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و کنکاش در قوانین و مصوبات مربوط به حجاب و عفاف تنظیم شده است ابتدا ابعاد لغوی و اصطلاحی حجاب و عفاف را مورد بررسی قرار داده است سپس نگاه مقنن قانون اساسی و سیاستگذار فرهنگی را نسبت به این موضوع واکاوی کرده و در ضمن تعریف قانونگذار از حجاب، مصادیقی از درون قوانین مستخرج شده است. به نظر می‌رسد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در چند ساحت قابل بررسی و ارزیابی است یک از نگاه برنامه نویسی و قانون نویسی، دوم از نگاه اثر بخشی و تاثیرات فرهنگی آن، سوم از نگاه اجرایی و عملکردی، چهارم از بعد ضمانت اجرا و اطمینان از برآورده شدن اهداف مقنن.

در این پژوهش سعی شده ابعاد فوق الذکر مورد بررسی قرار گرفته و نسبت مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع حجاب و عفاف با عناصر ذکر شده مشخص گردد.

واژگان کلیدی

حجاب، عفاف، قانون، مصوبه، ظرفیت، آسیب شناسی

۱. دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دبیر گروه فرهنگی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس، قم، ایران.
ebrahimi9@gmail.com